

دیدگاه اقتصاد سیاسی و مدیریت سود

هاشم نیکومرام^۱

بهمن بنی مهد^۲

فریدون رهنمای رودپشتی^۳

علی کیائی^۴

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۱/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۰/۶

چکیده

در دیدگاه اقتصادسیاسی، سهامداران عمده و مدیرانی که با کانونهای قدرت سیاسی مرتبط هستند، می توانند بر عملکرد مالی شرکت متبوع خود تاثیر گذار باشند. این موضوع به طور بالقوه کیفیت اطلاعات حسابداری را تحت تاثیر قرار خواهد داد. این مقاله اثر مدیریت سیاسی بر مدیریت سود را مورد مطالعه قرار می دهد. قلمرو زمانی پژوهش شامل یک دوره ۹ ساله از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸ و قلمرو مکانی آن شرکت های پذیرفته شده در بورس و اوراق بهادار تهران می باشد. روش پژوهش از نوع همبستگی و مبتنی بر رگرسیون چند متغیره است. نتایج پژوهش نشان می دهد که بین مدیریت سیاسی و مدیریت سود رابطه ای مستقیم وجود دارد. به عبارت دیگر وجود مدیریت سیاسی در شرکت ها یکی از عوامل تاثیرگذار بر مدیریت سود می باشد. تغییر حسابرس، نوع حسابرس، شاخص سودآوری و نسبت بدهی از دیگر متغیرهایی هستند که با مدیریت سود رابطه ای معنی دار دارند. اما تغییر مدیریت، رشد فروش و اندازه شرکت رابطه ای با مدیریت سود ندارند.

واژه های کلیدی: اقتصاد سیاسی، مدیریت سیاسی و مدیریت سود.

۱- استاد گروه حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران (مسئول مکاتبات) nikoomaram@srbiau.ac.ir

۲- استادیار گروه حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

۳- استاد گروه حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران rahnamaroodposhti@gmail.com

۴- دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

مقاله این است تا اثر نظریه اقتصاد سیاسی را بر مدیریت سود که یکی از شاخصهای کیفیت اطلاعات حسابداری است، مورد بررسی قرار دهند. تفاوت این تحقیق با تحقیقات مشابه در حوزه مدیریت سود، آن است که تاکنون رابطه نظریه اقتصاد سیاسی و مدیریت سود بررسی نشده است. دست آورد این تحقیق می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

اولاً نتایج این پژوهش می‌تواند موجب بسط مبانی نظری پژوهشهای گذشته در ارتباط با مدیریت سود در کشور های در حال توسعه از جمله ایران شود. ثانیاً شواهد پژوهش نشان می‌دهد که حرفه حسابداری در ایران جدا از محیط سیاسی و اجتماعی کشور نیست. این موضوع به عنوان یک دستاورد علمی می‌تواند اطلاعات سودمندی را در اختیار تدوین کنندگان استانداردهای حسابداری کشور قرار دهد. ثالثاً نتایج پژوهش می‌تواند ایده های جدیدی برای انجام پژوهش های جدید در حوزه اقتصاد سیاسی، پیشنهاد نماید.

پرسش اصلی این پژوهش آن است که تا چه اندازه اقتصاد سیاسی بر مدیریت سود تأثیرگذار است. هدف این مقاله آن است که نخست اثر اقتصاد سیاسی بر مدیریت سود را نشان دهد. هم چنین هدف دوم این پژوهش آن است تا تحلیل گران، استفاده کنندگان اطلاعات حسابداری، تدوین کنندگان استانداردهای حسابداری، جامعه حسابداران رسمی و سازمان بورس اوراق بهادار را از عوامل اثر گذار بر مدیریت سود آگاه نماید. در ادامه، مبانی نظری و پیشینه پژوهش، متغیرها و آزمون فرضیه های پژوهش، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اقتصاد سیاسی حوزه مهمی در مطالعه علمی پدیده‌های اجتماعی است. این روش، شکل گیری پدیده های اجتماعی را ناشی از مولفه‌های سیاسی و اقتصادی می‌داند. براساس نظریه اقتصاد سیاسی، در اکثر جوامع اقتصادی بازار محور، واحدهای تجاری کانون کنش های متقابل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی میان گروه های مختلف هستند. بنابراین شناخت روابط بین گروه های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به منظور درک ویژگی های در حال تغییر واحدهای تجاری لازم و ضروری است. بر پایه نظریه مزبور، اطلاعات حسابداری تنها برای حمایت از گروه های صاحب نفوذ در حوزه های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تهیه می‌شود. اطلاعاتی که به کمک آن، صاحبان قدرت می‌توانند به نفع شخصی خود از آن اطلاعات استفاده و عمل نمایند (Abeysekera 2003).

مطالعات تجربی حسابداری نشان داده است که ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نظیر نظامهای حقوقی- قضائی، قوانین تجاری و مالیاتی، ماهیت و نوع روابط تعریف شده در اقتصاد، عرف، فرهنگ و نظام سیاسی در کنار فشارهای بازار سرمایه رفتار مدیران، حسابرسان، سرمایه گذاران، تدوین کنندگان قوانین و مقررات و دیگر افراد مشارکت کننده در بازار را نسبت به گزارشگری مالی تحت تاثیر قرار می‌دهد (Bushman and Piotroski, 2006).

در کشورهای در حال توسعه که سیستمهای اقتصادی آنها غالباً مبتنی بر روابط است، یکی از عوامل اساسی که نسبت به عوامل دیگر، بر انگیزه های مدیریت در گزارشگری مالی تاثیر می‌گذارد عامل، سیاسی بودن مدیران و مالکان شرکتها بدلیل دولتی بودن شرکتها و صنایع بزرگ تاثیر گذار بر اقتصاد و نیز نظام اقتصادی حاکم بر کشور، یعنی اقتصاد دولتی می‌باشد. از این رو انگیزه نویسندگان

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱- پژوهش های خارجی

کورریا (۲۰۱۲) در پژوهش خود در آمریکا نشان داد شرکتهایی که دارای روابط سیاسی هستند، کمتر از سوی کمیسیون بورس و اوراق بهادر جریمه می شوند. این شرکتها بواسطه ارتباط با نمایندگان کنگره، و پرداخت وجوه به آن ها بر کمیسیون بورس اوراق بهادر فشار وارد می کنند و بر آن نفوذ دارند و این موضوع باعث می شود تا از سوی این کمیسیون کمتر جریمه شوند. او هم چنین دریافت شرکتهایی که کیفیت اطلاعات حسابداری آن پایین تر از سایر شرکت ها است، برای جلوگیری از جریمه کمیسیون بورس اوراق بهادار، از روابط سیاسی استفاده می کنند (Correia, 2012).

بویکری و دیگران (۲۰۱۲) تاثیر روابط سیاسی بر عملکرد شرکت و تصمیمات تامین مالی را بررسی نمودند. آنها دریافتند که شرکتها بعد از برقراری روابط سیاسی، دسترسی آسان تری نسبت به سایر شرکت ها، به منابع اعتباری دارند. این شرکت ها از طریق استقراض سعی دارند تا سودآوری خود را بهبود ببخشند. از این رو، روابط سیاسی همبستگی قوی با تغییر در اهرم و عملکرد عملیاتی دارد (Boubakri and et al, 2012).

بلیس و گل (۲۰۱۲) ساختار سرمایه شرکت های دارای روابط سیاسی را در مالزی بررسی نمود. آن ها نشان دادند که تقریباً حقوق صاحبان سهام ۱۲ درصد از این شرکت ها، منفی است. به عبارت دیگر، دارایی های شرکت از محل بدهی ها تامین مالی شده اند. نتایج پژوهش آن ها نشان می دهد که سودآوری در شرکت های دارای روابط سیاسی در مقایسه با سایر شرکتها، پایین بوده و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری رابطه مستقیمی با نسبت بدهی دارد (Bliss and Gul, 2012).

یه و همکاران (۲۰۱۲) در تایوان دریافتند شرکت های وابسته به حزب سیاسی پیشرفت دموکراتیک، بازده سهام غیر عادی پائینی قبل از انتخابات سال ۲۰۰۴ داشتند. اما بعد از پیروزی این حزب در انتخابات آن سال، بازده سهام این گروه از شرکت ها افزایش یافت. آن ها هم چنین دریافتند که شرکت های دارای روابط سیاسی با احزاب حاکم، وام های خارج از نوبت از بانک ها دریافت می کنند. هم چنین نظام راهبری این شرکتها ضعیف تر از سایر شرکت ها است. شرکتها با نظام راهبری قوی تر از منابع مالی متعددی برخوردار هستند (Yeh and et al. 2012).

زو و دیگران (۲۰۱۲) در بررسی از ۱۴۳۸ شرکت از شرکتهای پذیرفته شده در بورس شن زن و شانگهای دریافتند شرکتهای دارای روابط غیر سیاسی که وابسته به دولت نیستند، کیفیت سود بالاتری دارند. هم چنین آن ها نشان دادند که هر چه مالکیت سهامدار خارجی در ترکیب سهامداران افزایش یابد، کیفیت سود نیز افزایش می یابد. آن ها با مقایسه شرکتهای با مالکیت دولتی، مالکیت کارکنان شرکت و مالکیت سایر نهادها نشان دادند در این سه دسته از شرکتها، مدیریت سود تفاوت معنی داری ندارد (Xu and et al., 2012).

چن و همکاران (۲۰۱۱) اثر هزینه های سیاسی بر مدیریت سود در شرکتهای چینی را مورد بررسی قرار دادند. آن ها نشان دادند شرکتهای در دوران تحول اقتصادی با فشارهای سیاسی از سوی دولت مواجه بوده اند. این شرکتها برای کاهش این فشارهای سیاسی، به مدیریت سود روی می آورند. آن ها نشان دادند که مدیریت سود در شرکتهای غیر دولتی، بیشتر از سایر شرکتها بوده است (Chen and et al. 2012).

نيسن و رونزی (۲۰۱۱) اثر روابط سیاسی را بر عملکرد شرکت های آلمانی بررسی نمودند. نتایج

سیاسی، بین کیفیت سودگزارش شده و هزینه بدهی رابطه ای مستقیم وجود دارد (Chaney and et al., 2012).

۲-۲- پژوهش های داخلی

در رابطه با موضوع این مقاله مطالعات قابل توجهی در کشور مشاهده نشده است. در ادامه مقاله، تحقیقات داخلی مرتبط با مدیریت سود ذکر می شود.

یعقوب نژاد و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیقی تلاش کردند الگویی برای اندازه گیری مدیریت سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار ارائه نمایند. نتایج این تحقیق نشان داد متغیرهایی مثل نسبت بدهی، اندازه شرکت، تغییر مدیریت، شاخص سود آوری (بازده دارائیه) و شاخص مدیریت سود سال قبل با مدیریت سود رابطه مستقیم دارد. از طرف دیگر برخی متغیرها مثل مالیات، نوع مالکیت، نوع حسابر، تغییر حسابر و نوع صنعت اثری بر مدیریت سود ندارد.

مشکی و نوردیده (۱۳۹۱) به بررسی آثار هموار سازی سود بر پایداری و ثبات سود شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج تحقیق آن ها نشان داد پایداری سود شرکتهای هموارساز بیش از پایداری سود شرکتهای غیر هموارساز است. هم چنین نتایج نشان می دهد شرکتهایی که اقدام به هموارسازی سود نموده اند در مقایسه با سایر شرکتهای سود هر سهم پایدارتری در آینده اعلام نموده اند.

رهنمای رودپشتی و دیگران (۱۳۹۱) در تحقیقی به بررسی رابطه بین مکانیزم های داخلی حاکمیت شرکتی (تمرکز مالکیت، نسبت اعضای غیرموظف هیات مدیره، تفکیک دوپست مدیر عامل و رئیس هیات مدیره) و مکانیزم خارجی (سهامداران نهادی) با مدیریت سود پرداختند. نتایج مطالعه آن ها نشان می

تحقیق آنها نشان می دهد که اعضای حزب محافظه کار و حزب آزادی خواه، بیشتر در خدمت شرکتهای هستند. هم چنین آن ها نشان دادند که شرکتهای دارای روابط سیاسی، عملکرد مالی و حسابداری و عملکرد بازار بهتری در مقایسه با سایر شرکتهای دارند (Niess and Ruenzi, 2012).

سونگ و دیگران (۲۰۱۱) مدیریت سود را در شرکتهای دارای روابط سیاسی طی سالهای ۲۰۰۶ الی ۲۰۰۸ در شرکتهای چینی مورد بررسی قرار دادند. آن ها نشان دادند که در شرکتهای دارای روابط سیاسی، مدیریت سود کمتر از سایر شرکتهای است. هم چنین آن ها دریافتند که شکل مدیریت سود در شرکتهای دارای روابط سیاسی، بیشتر از نوع حداقل سازی سود می باشد. این موضوع باعث افزایش ضریب واکنش سود در بازار سرمایه گردیده است (2012, Song and et al).

المقبلی (۲۰۱۰) در بررسی خود از ۴۶ شرکت از شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار عربستان سعودی دریافت، شرکت هایی که در آن ها نسبت کارکنان خارجی نسبت به کارکنان داخلی بالاتر است. مدیران این گونه شرکت ها برای اجتناب از فشارهای سیاسی دولت علیه شرکت، برای آن که نشان دهند در راستای برنامه های توسعه اقتصادی دولت عربستان سعودی مبنی بر جذب نیروی انسانی ماهر خارجی عمل می کنند، سود را مدیریت می نمایند (Al-Moghawli, 2012).

چنی و دیگران (۲۰۱۰) کیفیت اطلاعات حسابداری را در شرکتهای دارای روابط سیاسی مورد بررسی قرار دادند. آن ها نشان دادند شرکتهای دارای روابط سیاسی، به دلیل فقدان نفوذ بازار بر آن ها برای افزایش کیفیت اطلاعات حسابداری، اطلاعات حسابداری را با کیفیت پائین تری ارائه می کنند. هم چنین آنها دریافتند که در شرکتهای بدون روابط

۳- روش شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر، توصیفی از نوع همبستگی است. قلمرو مکانی جامعه آماری پژوهش، شامل شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. قلمرو زمانی پژوهش نیز از سال ۱۳۸۰ تا سال ۱۳۸۸ (یک دوره ۹ساله) تعیین شده است. هم چنین جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل شرکتهایی است که از شرایط زیر برخوردار باشند:

- شرکت هایی که از سال ۱۳۸۰ مورد پذیرش قرار گرفته و شرکت سرمایه گذاری نباشند.
 - شرکت هایی که دوره مالی آنها آخر اسفند ماه هر سال باشد.
 - شرکت هایی که بعد از پذیرش، توقف معامله نداشته و داده های آن ها در دسترس باشند.
- با توجه به مجموعه شرایط فوق، تنها ۱۱۹ شرکت و ۱۰۷۴ مشاهده در دوره زمانی ۱۳۸۰ الی ۱۳۸۸ شرایط بالا را دارا بوده و بنابراین به عنوان نمونه مورد بررسی، از جامعه فوق انتخاب شدند.

۴- متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته

متغیر وابسته این پژوهش، شاخص مدیریت سود می باشد. این شاخص از مدل فرانسویس و همکاران (۲۰۰۵) به شرح زیر به دست می آید.

معادله شماره ۱

$$TCA_{j,t} = \alpha_0 + \alpha_1 CFO_{j,t} + \alpha_2 CFO_{j,t} + \alpha_3 CFO_{j,t+1} + \alpha_4 \Delta REV_{j,t} + \alpha_5 PPE_{j,t} + \varepsilon_{j,t}$$

TCA: مجموع ارقام تعهدی شرکت که از رابطه زیر محاسبه می شود:

$$TCA = (\Delta CA - \Delta Cash) - (\Delta CL - \Delta STDEBT) - DEP$$

معادله شماره ۲

CFO: جریان وجه نقد عملیاتی که از طریق سود خالص قبل ارقام غیر مترقبه منهای مجموع ارقام تعهدی (TA) بدست می آید.

دهد که بین تمرکز مالکیت و نسبت اعضای غیر موظف هیات مدیره با مدیریت سود رابطه منفی و معنادار، و بین سهامداران نهادی و مدیریت سود رابطه مثبت معنادار وجود دارد. اما بین تصدی دو پست مدیر عامل و رئیس هیات مدیره با مدیریت سود رابطه معنا داری وجود ندارد.

مشایخی و محمدآبادی (۱۳۹۰) در پژوهشی رابطه مکانیزم های حاکمیت شرکتی با کیفیت سود را بررسی نمودند. در این تحقیق کیفیت ارقام تعهدی، پایداری سود و توان پیش بینی آن بعنوان سنجه های کیفیت سود و دوگانگی مسئولیت ها، نسبت مدیران غیرموظف عضو هیات مدیره و تعداد جلسات آن به عنوان شاخصه های حاکمیت شرکتی در نظر گرفته شده است. یافته های این پژوهش نشان می دهد با بیشتر شدن تعداد جلسات هیات مدیره و افزایش حضور مدیران غیرموظف در آن، کیفیت (پایداری و توان پیش بینی) سود حسابداری افزایش یافته است. در حالی که بین تفکیک مسئولیت مدیر عامل و رئیس هیئت مدیره از یکدیگر و کیفیت سود رابطه معناداری وجود ندارد.

خدادادی و دیگران (۱۳۸۹) به بررسی تاثیر مدیریت سود بر مربوط بودن سود هر سهم و ارزش دفتری هر سهم با تفکیک ارقام تعهدی کوتاه مدت، ارقام تعهدی اختیاری بلندمدت و کل ارقام تعهدی اختیاری پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که سود هر سهم و ارزش دفتری هر سهم با قیمت سهام دارای رابطه مثبت و معنی دار هستند. هم چنین مدیریت سود از طریق ارقام تعهدی اختیاری کوتاه مدت و یا بلند مدت موجب کاهش مربوط بودن سود هر سهم و ارزش دفتری هر سهم می شود.

این متغیر با مقدار یک و صفر نشان داده می‌شود. اگر حسابرس شرکت سازمان حسابرسی باشد، مقدار آن یک و در غیر آن صورت مقدار آن صفر است.

تغییر مدیریت

این متغیر با مقدار یک و صفر نشان داده می‌شود. اگر مدیریت شرکت در یک سال تغییر کرده باشد، مقدار آن یک و در غیر آن صورت مقدار آن صفر است.

اندازه شرکت

لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌های هر شرکت در هر سال.

نسبت اهرمی

نسبت بدهی به جمع دارایی‌ها هر شرکت در هر سال.

شاخص سودآوری

سودخالص سال تقسیم بر جمع دارایی‌های هر شرکت در هر سال.

رشد فروش

فروش سال جاری منهای فروش سال قبل تقسیم بر فروش سال قبل، این نسبت برای هر شرکت در هر سال محاسبه می‌شود.

۵- فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش و همچنین در راستای اهداف پژوهش، فرضیه‌های پژوهش به صورت زیر بیان می‌شوند:

فرضیه اول: میان مدیریت سیاسی و مدیریت سود رابطه معنی‌دار وجود دارد.

فرضیه دوم: میان تغییر حسابرسی با شاخص مدیریت سود در شرکت‌های دارای روابط سیاسی رابطه معنی‌دار وجود دارد.

ΔREV : تغییر در درآمد فروش

PPE: اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات

ΔCA : تغییر در داراییهای جاری

ΔCL : تغییر در بدهیهای جاری

$\Delta Cash$: تغییر در وجه نقد

$\Delta STDEBT$: تغییر در ذخیره مالیات، بهره پرداختنی و

سود سهام پرداختنی

DEP: هزینه استهلاک

همه متغیرها بر جمع دارایی‌ها در اول دوره تقسیم شده‌اند. مقادیر خطای مدل، (ϵ_{it}) به تفکیک هر صنعت نشان دهنده شاخص مدیریت سود می‌باشد (Francis and et al. 2005).

متغیرهای مستقل

مدیریت سیاسی

این متغیر برای اندازه‌گیری اثر اقتصاد سیاسی بر مدیریت سود، مورد استفاده قرار می‌گیرد. نشانه‌های مدیریت سیاسی شرکت عبارتند از وجود اعضای هیأت مدیره وابسته به دولت، مجلس، نهادهای سیاسی و یا وجود سهامدار عمده دولتی و شبه دولتی در ساختار مالکیت شرکت. این متغیر با مقدار یک و صفر نشان داده می‌شود. در صورت وجود مدیریت سیاسی، مقدار آن یک و در غیر آن صورت صفر. این متغیر در مطالعات خارجی اشاره شده در پیشینه پژوهش استفاده شده است.

تغییر حسابرسی

عبارت است از تغییر حسابرسی شرکت از یک حسابرسی به حسابرسی دیگر. اگر این تغییر در یک شرکت رخ داده باشد مقدار آن یک و در غیر آن صورت مقدار آن صفر است.

نوع حسابرسی

۶- نتایج پژوهش

نتایج آماره‌های توصیفی پژوهش در جدول شماره ۱ و ۲ آورده شده است.

نزدیک بودن مقادیر میانگین و میانه نشان دهنده نرمال بودن متغیرها است. هم چنین جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که وجود مدیریت سیاسی در شرکتهای نمونه تحقیق در طول دوره زمانی تحقیق تقریباً ثابت است. عدم تغییر مدیریت بیشتر از تغییر مدیریت است و شرکت‌های نمونه تحقیق، حسابرس خود را بیشتر از میان موسسات خصوصی حسابرسی انتخاب می‌کنند تا سازمان حسابرسی، در نتیجه تغییر حسابرس بسیار بیشتر از عدم تغییر حسابرس می‌باشد. دلیل این موضوع آن است که شرکتهای غیر دولتی که عمدتاً در بورس اوراق بهادر فعال هستند، می‌توانند حسابرس خود را از سازمان حسابرسی به موسسات خصوصی حسابرسی تغییر دهند.

نمودار شماره ۱ نیز نشان دهنده آن است که روند مدیریت سود در طول دوره تحقیق میان شرکت‌های نمونه تحقیق سیر صعودی دارد.

فرضیه سوم: میان نوع حسابرس با شاخص مدیریت سود در شرکتهای دارای روابط سیاسی رابطه معنی دار وجود دارد.

فرضیه چهارم: میان تغییر مدیریت با شاخص مدیریت سود در شرکتهای دارای روابط سیاسی رابطه معنی دار وجود دارد.

فرضیه پنجم: میان شاخص سودآوری با شاخص مدیریت سود در شرکتهای دارای روابط سیاسی رابطه معنی دار وجود دارد.

فرضیه ششم: میان رشد فروش با شاخص مدیریت سود در شرکتهای دارای روابط سیاسی رابطه معنی دار وجود دارد.

فرضیه هفتم: میان نسبت اهرمی با شاخص مدیریت سود در شرکتهای دارای روابط سیاسی رابطه معنی دار وجود دارد.

فرضیه هشتم: میان اندازه شرکت با شاخص مدیریت سود در شرکتهای دارای روابط سیاسی رابطه معنی دار وجود دارد.

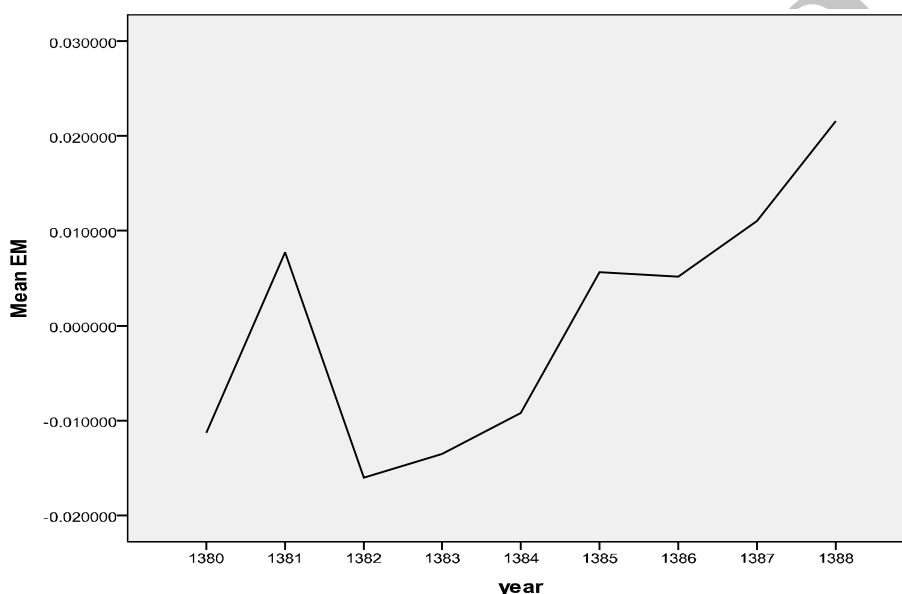
جدول شماره ۱: آماره‌های توصیفی متغیرهای کمی تحقیق

متغیرها	تعداد مشاهده	میانگین	میانه	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
شاخص مدیریت سود	۱۰۷۴	۰/۰۰۰۸۱۲	۰/۰۰۴۳۰	۰/۰۹۸۵۵	-۱/۲۵۴۴	۰/۴۰۱۶۲
نسبت سودآوری	۱۰۷۴	۰/۱۵۰۲۸	۰/۱۲۴۰۴۸	۰/۱۶۳۱۶	-۰/۳۲۷۴	۲/۷۹۰
رشد فروش	۱۰۷۴	۰/۵۵۱۳۱	۰/۱۶۱۶۵	۸/۵۹۰۲۲	-۱/۰۰۰	۲۷۷/۵۵۹
نسبت بدهی	۱۰۷۴	۰/۶۷۰۴۴	۰/۶۶۴۱۰۹	۰/۳۱۲۸۵	۰/۰۶۱۹۱	۵/۹۰۵
جمع دارایی‌ها	۱۰۷۴	۲۲۵۱۸۸۰/۳۵	۳۳۷۰۱۸/۵	۲۵۰۷۰۹۳۱/۶۶۸	۱۰۵۷۸	۸۰۳۰۶۷۵۲۸

جدول شماره ۲: آماره‌های توصیفی متغیرهای کیفی تحقیق

سال	مدیریت سیاسی		تغییر حسابرس		نوع حسابرس		تغییر مدیریت	
	عدم وجود مدیریت سیاسی	وجود مدیریت سیاسی	عدم تغییر حسابرس	تغییر حسابرس	سازمان حسابرسی	موسسات خصوصی	عدم تغییر مدیریت	تغییر مدیریت
۱۳۸۰	۲۱	۹۶	۱۱۶	۲	۷۳	۴۵	۱۱۷	۱
۱۳۸۱	۲۴	۹۵	۸۵	۳۵	۴۶	۷۴	۶۶	۵۳
۱۳۸۲	۲۵	۹۴	۱۱۹	۱	۴۵	۷۵	۱۱۸	۲

سال	مدیریت سیاسی		تغییر حسابرس		نوع حسابرس		تغییر مدیریت	
	عدم وجود مدیریت سیاسی	وجود مدیریت سیاسی	عدم تغییر حسابرس	تغییر حسابرس	سازمان حسابرسی	مؤسسات خصوصی	عدم تغییر مدیریت	تغییر مدیریت
۱۳۸۳	۲۳	۹۶	۹۷	۲۳	۳۴	۸۶	۶۰	۵۹
۱۳۸۴	۲۲	۹۶	۱۱۷	۲	۳۴	۸۵	۱۱۳	۵
۱۳۸۵	۲۲	۹۷	۸۳	۳۷	۳۰	۹۰	۴۱	۷۸
۱۳۸۶	۲۲	۹۷	۱۲۰	۰	۳۰	۸۹	۱۱۹	۲
۱۳۸۷	۲۴	۹۶	۹۰	۳۰	۲۸	۹۲	۵۵	۶۵
۱۳۸۸	۲۵	۹۹	۱۱۳	۴	۲۶	۹۲	۱۱۴	۶
جمع	۲۰۸	۸۶۶	۹۴۰	۱۳۴	۳۴۶	۷۲۸	۸۰۳	۲۷۱



نمودار شماره ۱: روند شاخص مدیریت سود

نرمال بودن متغیر وابسته

نرمال بودن متغیر وابسته از طریق آزمون کلوموگروف اسمیرینف^۱ انجام شده است. در این آزمون هر گاه سطح معنی داری بالاتر از ۵ درصد باشد، در آن صورت متغیر وابسته توزیع نرمال خواهد داشت. نتایج این آزمون در جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که توزیع شاخص مدیریت سود دارای توزیع نرمال است.

جدول شماره ۳: آزمون نرمال بودن متغیر وابسته

آماره ها	شاخص مدیریت سود
میانگین	۰/۰۰۰۰۸۱۲۹
انحراف معیار	۰/۰۹۸۵۵۸۵
آماره کلوموگروف اسمیرینف	۰/۳۵۸
سطح معنی داری	۰/۲۴۸

آزمون فرضیه ها

بعد از اطمینان از نرمال بودن متغیر وابسته در ادامه مقاله، آزمون فرضیه ها انجام می‌شود. نتایج آزمون فرضیه در جدول شماره ۴ گزارش شده است.

بخش قبل مشخص شد که مدیریت سیاسی، تغییر حسابرس، نوع حسابرس، شاخص سودآوری و نسبت اهرمی با شاخص مدیریت سود در شرکت‌های دارای روابط سیاسی رابطه معنی دار دارند و بر آن تا ثیر گذار هستند. بنابراین مدل مدیریت سود به صورت زیر نوشته می شود:

$$Y = 0.015 x_1 + - 0.019 x_3 - 0.215 x_4 - 0.042 x_5 + \varepsilon$$

$$0.021 x_2$$

که در آن :

Y = شاخص مدیریت سود هر شرکت در هر سال

وجود مدیریت سیاسی در ترکیب اعضای هیئت

X_1 = مدیره شرکت

X_2 = تغییر حسابرس

X_3 = نوع حسابرس

X_4 = شاخص سودآوری

X_5 = نسبت اهرمی

ε = میزان خطای مدل

در این جدول سطح معنی داری متغیرهای مدیریت سیاسی، تغییر حسابرس، نوع حسابرس، سودآوری و نسبت اهرمی زیر ۵ درصد است. بنابراین در سطح اطمینان ۹۵ درصد می توان اظهار داشت که میان متغیرهای مذکور و مدیریت سود رابطه معنی دار وجود دارد. از این رو فرضیه های اول، دوم، سوم، پنجم و هفتم تایید می شوند. اما از آنجائیکه سطح معنی داری متغیرهای تغییر مدیریت، رشد فروش و اندازه شرکت بیش از ۵ درصد است، بنابراین در سطح اطمینان ۹۵ درصد میان متغیرهای مذکور و مدیریت سود رابطه معنی دار وجود ندارد. لذا فرضیه های چهارم، ششم و هشتم تایید نمی شوند.

مدل مدیریت سود

در این قسمت با توجه به نتایج حاصل از آزمون فرضیه، آزمون مربوط به تدوین مدل مدیریت سود برای کل شرکت‌های نمونه آماری، انجام می شود. در

جدول شماره ۴: آزمون فرضیه ها

متغیرها	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد	آماره T	سطح معنی داری	آماره های هم خطی	
	بتا	خطای استاندارد	بتا			تولرانس	عامل تورم واریانس
عرض از مبدأ	۰/۰۵۳	۰/۰۲۸	-	۱/۹۱۶	۰/۰۵۶	-	-
مدیریت سیاسی	۰/۰۱۵	۰/۰۰۷	۰/۰۵۹	۱/۹۸۶	۰/۰۴۲	۰/۹۰۵	۱/۱۰۴
تغییر حسابرس	۰/۰۲۱	۰/۰۰۹	۰/۰۷۲	۲/۳۶۸	۰/۰۱۸	۰/۸۷۳	۱/۱۴۵
نوع حسابرس	-۰/۰۱۹	۰/۰۰۶	-۰/۰۹	-۲/۹۷۷	۰/۰۰۳	۰/۸۷۲	۱/۱۴۷
تغییر مدیریت	-۰/۰۰۸	۰/۰۰۷	-۰/۰۳۵	-۱/۱۷۷	۰/۲۴۰	۰/۹۱۱	۱/۰۹۸
سودآوری	-۰/۲۱۵	۰/۰۱۷	-۰/۳۵۷	-۱۲/۵۵۱	۰/۰۰۰	۰/۹۸۹	۱/۰۱۲
رشد فروش	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۲۸	۰/۹۷۲	۰/۳۳۱	۰/۹۹۵	۱/۰۰۵
نسبت اهرمی	-۰/۰۴۲	۰/۰۰۹	-۰/۱۳۵	-۴/۷۶۵	۰/۰۰۰	۰/۹۹۲	۱/۰۰۸
اندازه شرکت	۰/۰۰۰۰۷	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۰/۰۳۴	۰/۹۷۲	۰/۹۱۴	۱/۰۹۴

آنالیز واریانس

آنالیز واریانس (ANOVA) توان خط رگرسیون برای بیان مقادیر مشاهده شده متغیر تابع را ارزیابی می نماید.

فرضیه های این آزمون به صورت زیر بیان می شود:
 H_0 : رابطه خط رگرسیون میان متغیر وابسته و متغیرهای مستقل وجود ندارد.

H_1 : رابطه خط رگرسیون میان متغیر وابسته و متغیرهای مستقل وجود دارد.

نتایج این آزمون در جدول شماره ۵ آورده شده است. این جدول شامل آماره های مجموع مجذورات، درجه آزادی، مجذور میانگین، آماره F و سطح معنی داری^۲ است. همانگونه که مشاهده می شود، آماره F برابر ۲۵/۲ و سطح معنی داری آماره F نیز صفر است. بنابراین در آزمون فوق سطح معنی داری در ناحیه رد H_0 می افتد و فرضیه H_1 تائید می شود. بنابراین فرض H_0 مبنی بر عدم وجود خط رگرسیون در سطح اعتماد ۹۵ درصد و یا خطای پنج درصد رد می شود. از این رو آزمون فوق صحت مدل را تائید می نماید. هم چنین ضریب تعیین مدل رگرسیون (R^2) که نسبتی از واریانس بیان شده به کل واریانس را نشان می دهد با توجه به جدول شماره ۶ برابر ۱۶/۱ درصد است. این موضوع بیانگر آن است که ۱۶/۱ درصد تغییرات متغیر وابسته براساس تغییرات متغیرهای مستقل مدل بیان می شود و مابقی آن متاثر از سایر عواملی است

که در این تحقیق بررسی نشده اند. لازم به توضیح است که هر گاه در یک مدل، متغیر وابسته شاخص مدیریت سود باشد. آن گاه ضریب تعیین مدل حداکثر در حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد است. به بیان دیگر قدرت پیش بینی مدل پایین است. این موضوع یکی از محدودیت های استفاده از مدل های اندازه گیری مدیریت سود تلقی می شود (Dechow and et al., 2010).

آزمون دوربین واتسن

این آماره برای برآورد وجود یا عدم وجود خود همبستگی در جمله پسماند^۳ استفاده می شود. به این نحوه که تابع آزمون آن بر مبنای فرض صفر آماری به صورت زیر بنا گردیده است:
 H_0 : در جمله اخلاص (پسماند) خود همبستگی وجود دارد.

H_1 : در جمله اخلاص (پسماند) خود همبستگی وجود ندارد.

اگر مقدار آماره مذکور بین ۱/۷ تا ۲/۳ برآورد گردد، در آن صورت فرضیه H_0 مبنی بر وجود خود همبستگی در جمله اخلاص، رد و فرضیه H_1 تائید می گردد. در اینجا با توجه به جدول شماره ۶ مقدار آماره دوربین- واتسن برابر ۱/۷۲۶ است. بنابراین H_0 رد و فرضیه مقابل آن یعنی H_1 مبنی بر عدم وجود خود همبستگی در جمله پسماند تائید می شود.

جدول شماره ۵: آزمون آنالیز واریانس

مدل	مجموع مجذورات	درجه آزادی	مجذور میانگین	آماره F	سطح معنی داری
رگرسیون	۱/۶۶۶	۸	۲۰۸	۲۵/۲۰۰	۰/۰۰۰
باقیمانده	۸/۶۷۹	۱۰۵۰	۰/۰۰۸		
جمع	۱۰/۳۴۵	۱۰۵۸			

جدول شماره ۶: آماره های دورین واتسن و ضریب تعیین

ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد شده	آماره های مربوط به تغییرات					سطح معنی داری	آماره دورین واتسون
				تغییرات ضریب تعیین	تغییرات F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	تغییرات F		
۰/۴۰۱	۰/۱۶۱	۰/۱۵۵	۰/۰۹۰۹۱	۰/۱۶۱	۲۵/۲	۸	۱۰۵۰	۰/۰۰۰	۱/۷۲۶	

هم خطی میان متغیرهای مستقل مدل:

قبول دانست و نگران وجود هم خطی نبود. در این تحقیق چون تمام ضرایب برآورد شده معنی دار و تفکیک پذیر هستند، بیانگر این موضوع است که هم حرکتی میان متغیرها حاد نیست. جدول شماره ۷ نشان می دهد که هر زوج از متغیرهای مستقل دارای هم خطی حاد نیستند. بیشترین هم خطی میان نوع حسابرس (سازمان حسابرسی) و مدیریت سیاسی است که مقدار آن ۲۲ درصد است. هم چنین آماره های تورم واریانس و تولرانس در جدول شماره ۴ نشان می دهد که متغیرهای مستقل دارای هم خطی حاد نیستند. زیرا مقدار تولرانس به عدد یک نزدیک است و آماره تورم واریانس نیز کمتر از عدد ۵ است.

معمولاً هم خطی میان متغیرهای مستقل وجود دارد. اما اگر این هم خطی زیاد باشد، مناسب مدل نخواهد بود. یکی از روشهای آزمون هم خطی محاسبه ماتریس همبستگی است. در این ماتریس ضریب همبستگی بین هر زوج از متغیرهای مستقل محاسبه می شود. عدم همبستگی متغیرهای مستقل به معنای این است که ضریب همبستگی بین هر زوج از متغیرهای مستقل مساوی صفر است. اما در عمل بدست آوردن ضریب همبستگی صفر ممکن نیست و به عنوان یک قاعده می توان ضرایب همبستگی کمتر از ۵۰ درصد بین هر زوج متغیرهای مستقل را قابل

جدول شماره ۷: هم خطی میان متغیرهای مستقل مدل

متغیرها	مدیریت سیاسی	تغییر مدیریت	تغییر حسابرس	نوع حسابرس	سودآوری	رشد فروش	نسبت اهرمی	اندازه شرکت
مدیریت سیاسی	۱	۰/۱۲۴	۰/۰۴۹	۰/۲۲۱	۰/۰۲۲	۰/۰۱۹	۰/۰۱۳	۰/۲۰۱
تغییر مدیریت		۱	۰/۲۶۴	-۰/۰۲۷	-۰/۰۱۲	-۰/۰۱۲	-۰/۰۳۲	۰/۰۶۶
تغییر حسابرس			۱	-۰/۲۱۸	۰/۰۱۰	-۰/۰۱۰	۰/۰۰۷	-۰/۰۹۴
نوع حسابرس				۱	۰/۰۵۲	۰/۰۴۱	۰/۰۳۶	۰/۲۱۱
سودآوری					۱	۰/۰۵۹	-۰/۰۲۶	-۰/۰۵۲
رشد فروش						۱	-۰/۰۰۳	-۰/۰۱۰
نسبت اهرمی							۱	-۰/۰۵۴
اندازه شرکت								۱

۷- نتیجه‌گیری و بحث

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مدیریت سیاسی موجب افزایش مدیریت سود در طی دوره زمانی پژوهش شده است. این نتیجه مطابق نتیجه پژوهش چنی و همکاران (۲۰۱۰) و مغایر با نتایج تحقیق زو و دیگران^۴ (۲۰۱۲) و سونگ و دیگران (۲۰۱۱) می‌باشد. هم‌چنین شواهد پژوهش بیانگر آن است که مدیریت سود تحت تاثیر متغیرهایی چون تغییر حسابرس، نوع حسابرس، سودآوری شرکت و نسبت اهرمی می‌باشد. اما متغیرهای تغییر مدیریت، رشد فروش و اندازه شرکت تاثیر بر مدیریت سود ندارند. بر اساس نتایج پژوهش حاضر، متغیر سودآوری شرکت، که نشان‌دهنده عملکرد مدیریت می‌باشد، بیشترین تاثیر را بر مدیریت سود دارد. به بیان دیگر هرچه سودآوری افزایش یابد، مدیریت سود کاهش می‌یابد. باتوجه به اینکه مدیریت سیاسی با شاخص مدیریت سود رابطه مستقیم دارد، از این رو به سازمان بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود به منظور ارتقای کیفیت اطلاعات حسابداری، تمهیدات لازم به منظور شفافیت اطلاعات شرکتها با مدیریت سیاسی را به عمل آورد. هم‌چنین به جامعه حسابداران رسمی پیشنهاد می‌شود به منظور ارتقای کیفیت حسابرسی، بر عملکرد موسسات حسابرسی شرکتها با مدیریت سیاسی نظارت کافی داشته باشد. هم‌چنین به منظور پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود تا رابطه مدیریت سیاسی و کیفیت حسابرسی و هم‌چنین اثر مدیریت سیاسی بر هزینه کارگزاری مورد بررسی قرار گیرد.

فهرست منابع:

* خدادادی ولی، رضا تاکر، محمد صادق زارع زاده مهریزی (۱۳۸۹) بررسی تاثیر مدیریت سود بر مربوط بودن سود ارزش دفتری: مقایسه اقلام

- تعهدی اختیاری بلندمدت و کوتاه مدت، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی،
- * رهنمای رودپشتی فریدون، فرشاد هیبتی، قدرت اله طالب نیا، سیدعلی نبوی چاشمی (۱۳۹۱) ارائه الگوی سنجش تاثیر مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود سال پنجم، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، صص ۷۹ الی ۱۰۰
- * مشایخی بی‌تا و مهدی محمدآبادی (۱۳۹۰)، "رابطه مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی با کیفیت سود"، مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، شماره ۸ صص ۱۷ الی ۳۲
- * مشکی مهدی، لطیف نوردیده (۱۳۹۱) بررسی تاثیر مدیریت سود در پایداری سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس، مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، سال ۴، شماره ۱، صص ۱۰۵ الی ۱۱۸
- * یعقوب نژاد احمد، بهمن بنی‌مهد، اعظم شکری (۱۳۹۱)، ارائه الگو برای اندازه‌گیری کشف سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله حسابداری مدیریت، سال پنجم، صص ۱ الی ۱۶
- * Al-Moghawli Mohammed (2010) "The Management of Reported Earnings to Avoid Political Costs: A Study of Saudi Arabian Firms" International Journal of Management.. Vol. 27, Iss. 2; pg. 254, 13 pgs
- * Abeysekera Indra(2003)"Political economy of accounting in intellectual capital reporting" University of Wollongong Research Online
- * Bliss Mark A. and Gul Ferdinand A. (2012) Political connection and leverage: Some Malaysian evidence, [Volume 36, Issue 8](#), August 2012, Pages 2344–2350
- * Boubakri Narjess, Omrane Guedhami Dev Mishra, Walid Saffar(2012) Political connections and the cost of equity capital, Journal of Corporate Finance journal Vol. 18, Issue 3, June 2012, PP. 541-559
- * Bushman, R. and J. Piotroski. (2006). "Financial Reporting Incentives for Conservative Accounting: The Influence of

یادداشت‌ها

- ¹ Kolmogorov–Smirnov test
² p-value
³ Residuals
⁴ Xu and et al.

- Legal and Political Institutions.” *Journal of Accounting & Economics* 42, 107–148.
- * Chaney, P. K., M. Faccio, and D. C. Parsley(2012) The Quality of Accounting Information in Politically Connected Firms. Working paper, Vanderbilt University.
 - * Chen Donghua, Jieying Li, Shangkun Liang and Guojun Wang(2011) Macroeconomic control, political costs and earnings management: Evidence from Chinese listed real estate companies, *China Journal of Accounting Research* 4 PP. 91–106
 - * Correia Maria M.(2012) Political Connections, SEC Enforcement and Accounting Quality, Rock Center for Corporate Governance at Stanford University Working Paper No. 61, www.ssrn.com . PP.1-25
 - * Dechow Patricia Weili Ge and Catherine Schrand(2010) Understanding earnings quality: A review of the proxies, their determinants and their consequences, *Journal of Accounting and Economics* Vol. 50, PP. 344–401
 - * Francis, J., R. LaFond, P. Olsson and K. Schipper (2005), ‘The Market Pricing of Accruals Quality’, *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 39, pp. 295–327.
 - * Niessen S. Ruenzi, ۲۰۱۲ Political Connectedness and Firm Performance: Evidence From Germany. CFR-Working Paper NO. 07-15
 - * Song Yu , Lina Wang and Zi Yan (2011) Impacts of Political Connections on Earnings Quality of Chinese Private Listed Companies , *Advances in Education and Management Communications in Computer and Information Science* Volume 211, pp 85-92
 - * Xu Wei , Kun Wang and Asokan Anandarajan(2012) Quality of reported earnings by Chinese firms: The influence of ownership structure, *Advances in Accounting, incorporating Advances in International Accounting* 28 193–199
 - * Yeh Yin-Hua , Pei-Gi Shu and Shean-Bii Chiu(2013) Political connections, corporate governance and preferential bank loans, *Pacific-Basin Finance Journal* 21 PP. 1079–1101